

انتفاضة فلسطين

مولود اصول گرایي اسلامی معاصر

حسین کره‌ودی*

مقدمه

امپراتوری عثمانی آخرین خلافت اسلامی محسوب می‌شد که بر مناطق ترکیه امروزی، بخش وسیعی از بالکان در اروپا، بخش عربی خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله سرزمین فلسطین استیلا داشت. خلافت عثمانی‌ها در دنیای اسلام (اهل سنت) حدود پنج قرن به طول انجامید (از سال ۱۲۹۹ - ۱۹۱۸ م). ظهور عثمانی‌ها سبب انتقال خلافت از اعراب به ترکان عثمانی شد. وجود رقابت‌های استعماری بین دولت‌های روس، انگلیس و فرانسه و نقش استراتژیک عثمانی سبب شد تا سرزمین‌های این امپراتوری مورد طمع قدرت‌های اروپایی قرار گیرد. ورود اندیشه‌های ناسیونالیستی به امپراتوری عثمانی و تحریک اعراب به دست قدرت‌های اروپایی و از سویی پوسیدگی درونی عثمانی و ظهور ترکان جوان، بستر مناسبی برای فرو پاشی خلافت اسلامی فراهم ساخت و با تلنگر جنگ اول جهانی، «بیمار اروپا» از پا درآمد.

قبل از پایان جنگ اول، فرانسه و انگلیس طی قرارداد «سایکس - پیکو» سرزمین‌های امپراتوری عثمانی را بین خود تقسیم کردند. بر این اساس، عراق، اردن، حجاز و فلسطین تحت قیمومیت انگلیس، و لبنان و سوریه تحت اداره فرانسه قرار گرفت. بنابراین با رفع سایه استبداد عثمانی از اعراب، ابرهای تاریک استعمار غربی بر سر اعراب سایه افکند و چندین دهه آنان را تابع خود ساخت و در این مدت به تحکیم استیلای خود بر این منطقه پرداخت در این میان، فلسطین ویژگی خاصی داشت و آن تصمیم قبلی صهیونیسم بین الملل (در ۱۸۹۷

* کارشناس ارشد علوم سیاسی.

در شهر بال سوئیس) و همیاری انگلستان برای استیلای یهود بر این سرزمین بود. در این راستا یهودیان از سراسر جهان به فلسطین فرا خوانده شدند تا ترکیب جمعیتی این سرزمین به نفع یهودیان تغییر یابد و زمینه سیطره آنان بر فلسطین فراهم شود. این اقدامات در دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۴۰ به شدت ادامه یافت و سرانجام در ۱۹۴۸ دولت اسرائیل اعلام موجودیت کرد که تاکنون به عنوان یک غده مشکل ساز در بدنه جهان اسلام عمل کرده است.

مبارزات مردم فلسطین قبل از انتفاضه

مبارزات مردم فلسطین قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷ ش) صیغه اسلامی داشت و تحت رهبری علمای مذهبی مانند حاج محمد امین الحسینی مفتی اعظم بیت المقدس و رئیس «شورای مسلمین» فلسطین که بر محاکم شرع و اوقاف نیز نظارت داشت و شیخ عزالدین قسام و عبدالقادر حسینی قرار داشت. پس از استقرار تشکیلات رژیم صهیونیستی در فلسطین و آواره شدن مردم این کشور، سران کشورهای عربی تحت تأثیر افکار عمومی مسلمانان، حملاتی را علیه صهیونیست‌ها سازماندهی کردند.

فلسطینی ابتدا سازمان یافته نبودند و چشم به کشورهای عربی دوخته بودند که فلسطین را به آنها بازگردانند. از اوایل دهه ۱۹۶۰ آنها به تأسیس تعداد زیادی نهادهای سیاسی، نظامی و اجتماعی پرداختند. مهم‌ترین این نهادها، سازمان آزادی بخش است که در سال ۱۹۶۴ تأسیس شد و هشت سازمان چریکی و تعداد زیادی سازمان‌های غیر نظامی مربوط به امور آموزشی، اجتماعی، پزشکی، فرهنگی و مالی را زیر چتر خود گرفت.^۱

در فاصله بین سال‌های ۱۹۶۷ (شکست حمله اعراب) تا ۱۹۸۲ (حمله اسرائیل به لبنان) سازمان‌ها و گروه‌های مبارز فلسطینی زیادی تأسیس، متلاشی، ادغام و یا انشعاب شدند. این سازمان‌ها عمدتاً تحت تأثیر ناسیونالیسم عربی، سوسیالیسم و مارکسیسم قرار داشتند و هر کدام از جانب یکی از دولت‌های عربی پشتیبانی می‌شدند و به سیاست‌های منطقه‌ای آن دولت وابسته بودند. در نتیجه این مبارزات، تحت تأثیر سیاست‌های آن دولت‌ها در عرصه بین الملل و منطقه، از مسیر اصلی خود خارج گردید و ملت فلسطین از نگاه به بیرون و اعتماد به گروه‌های پرطمطراق و دولت‌های عربی و سیاست‌های جهانی و سازمان‌های بین المللی دچار سرخوردگی و ناامیدی شد.

سازمان‌های فلسطینی قبل از انتفاضه

در کنار جنگ‌های کشورهای عربی با رژیم اشغالگر قدس، شاهد شکل‌گیری سازمان‌های مقاومت فلسطینی هستیم. تعداد این تشکل‌ها به ده‌ها حزب و سازمان و گروه می‌رسد.

مهم‌ترین این سازمان‌ها و گروه‌ها عبارتند از:

۱. سازمان الفتح: رهبران اصلی آن، یاسر عرفات، صلاح خلف و خلیل ابراهیم الوزیر، معروف به ابوجهاد، هستند. این سازمان را اکثر کشورهای عربی میانه رو مانند عربستان و تندرو مانند لیبی و سوریه حمایت می‌کنند.
 ۲. الصاعقه: این گروه را سوری‌ها ایجاد کردند و از رهبران آن می‌توان به زهیر محسن و عصام القاضی اشاره کرد.
 ۳. جبهه دمکراتیک آزادی بخش فلسطین: این سازمان با ایدئولوژی مارکسیستی شروع به فعالیت کرد. رهبران اصلی آن عبارتند از: نایف حواتمه، عمر ادیب، مشهور به ابو یاسر.
 ۴. جبهه خلقی آزادی بخش فلسطین: این گروه که از سوی لیبی حمایت می‌شود، طرفدار عقاید مارکسیستی است. از رهبران اصلی آن می‌توان به جرج حبش و محمد تیسیر قبا اشاره کرد. این سازمان با سوریه روابط خوبی ندارد.
 ۵. جبهه خلقی آزادی بخش فلسطین - فرماندهی کل: این گروه را احمد جبرئیل از گروه قبلی (جرج حبش) منشعب ساخت و طرفدار سوریه است.
 ۶. جبهه آزادی بخش فلسطین: این گروه از گروه احمد جبرئیل منشعب شد. رهبران آن، طلعت توفیق و محمد العباس، معروف به ابوالعباس، هستند.
- علاوه بر گروه‌های فوق، سازمان‌های دیگری هم در فلسطین وجود دارد که فعالیت قابل توجهی ندارند، از جمله آنها می‌توان به «جبهه آزادی بخش عربی» اشاره کرد که طرفدار عراق است.^۲

ارزیابی مبارزات فلسطینی‌ها قبل از انتفاضه

با نگاهی به تاریخ مبارزات مردم و گروه‌های فلسطینی از زمان تأسیس رژیم صهیونیستی تا قبل از انتفاضه، به خوبی روشن می‌گردد که این گروه‌ها نتوانسته‌اند به نتایج امیدوار کننده‌ای برسند. آنها نه تنها در تشکیل یک حکومت مستقل فلسطینی موفق نبوده‌اند، بلکه سرانجام موجودیت رژیم اشغالگر را به رسمیت شناختند و «تصمیم بر نابودی آن» را از اساسنامه سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) حذف کردند و مبارزات مسلحانه را مردود شمردند.

در این جا به برخی از دلایل عمده ناکامی سازمان‌های فلسطینی اشاره می‌کنیم:

۱. اختلافات ایدئولوژیکی: این گروه‌ها و سازمان‌ها دارای اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های مارکسیستی، مائوئیستی، سوسیالیستی، ناسیونالیستی بودند که همه مبتنی بر سکولاریسم و طرد دین از صحنه مبارزات بودند؛ از این رو نگرش آنها در خصوص فلسطین و خط مشی و

عملکرد آنها در مبارزه با یکدیگر تفاوت فاحشی داشت.

۲. اختلاف در خط مشی مبارزه: اختلاف در اندیشه و ایدئولوژی این سازمان‌ها موجب اختلاف در روش و خط مشی شده است؛ برخی از این گروه‌ها به عملیات در داخل سرزمین‌های اشغالی معتقد بودند، گروهی در سطح کشورهای مختلف علیه صهیونیسم مبارزه می‌کردند، بعضی به بمب‌گذاری و هواپیما ربایی روی آوردند و گروهی دم از انقلاب کارگری می‌زدند. نکته مهم این که به علت عدم هماهنگی در نحوه مبارزه، در موارد بسیاری به جای مبارزه با صهیونیسم، به درگیری بین خود می‌پرداختند.

۳. نداشتن رهبری واحد.

۴. وابستگی گروه‌های مبارز به کشورهای عربی: فلسطینی‌ها ابتدا برای مقابله با فشار انگلیسی‌ها و گروه‌ها مسلح یهودی به شاهان و شاهزادگان عرب متوسل شدند، در حالی که آنها خود دست نشانندگان انگلیس بودند. پس از آوارگی ملت فلسطین، گروه‌های مدعی مبارزه در بین مهاجران در هر کشوری، تحت تأثیر سیاست‌های همان کشور و به عنوان حامی دیدگاه‌های آن کشور در خصوص فلسطین بودند. این کشورها که این دیدگاه‌ها در مواردی متناقض بودند به جبهه‌گیری میان مبارزان می‌انجامید و گاهی این کشورها با مبارزان برخورد خشنی داشتند، مانند جمعه سیاه در اردن.

۵. مقطعی بودن مبارزات: مبارزه این گروه‌ها معمولاً مقطعی و در اقدامات هر از گاهی خلاصه می‌شد که نتیجه جدی نداشت.

با توجه به این مشکلات و نابسامانی‌ها و محدود کردن مسأله فلسطین در حد یک مسأله ملی تا قبل از انتفاضه، مبارزات مردم فلسطین نتوانست در جهت تشکیل کشوری واحد و مستقل و یکپارچه رهنمون شود؛ از سویی، تحکیم بنیان‌های رژیم اسرائیل و نیز سازش دولت‌های عربی با اسرائیل، مردم فلسطین را به تدریج از این نحوه مبارزه ناامید کرد؛ از طرف دیگر، با وقوع انقلاب اسلامی ایران و احیای اندیشه دینی و درک توانایی پاسخ‌گویی دین به مسائل اجتماعی و سیاسی، مبارزات مردم فلسطین به مسیر اصلی و صحیح خود یعنی عجزین شدن با باورهای اسلامی هدایت شد و مردم فلسطین به درستی پی بردند که اسلام تنها راه رهایی و آزادی سرزمین فلسطین است.

به منظور شناخت بهتر چگونگی تغییر ماهیت مبارزات فلسطینیان، به بررسی عوامل پیدایش «انتفاضه» به عنوان مولود «اصول‌گرایی اسلامی» در فلسطین می‌پردازیم.

عوامل و زمینه‌های پیدایش انتفاضه

۱. پیروزی انقلاب اسلامی ایران

شکست اعراب از اسرائیل در جنگ ۱۹۶۷ در واقع شکست ناسیونالیسم عربی بود، و برای مردم فلسطین که سال‌ها دل به این اندیشه‌های سکولار بسته بودند، ناامیدی از این اندیشه‌ها را به دنبال داشت. این زمینه درونی و از سوی دیگر، پیروزی انقلاب اسلامی، نوید بخش تلاش و مبارزهای نو بود.

ظهور اسلام به عنوان ایدئولوژی فعال در صحنه سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی که در قالب جمهوری اسلامی ایران تجلی یافته بود و نیز دفاع همه جانبه این نظام از آرمان فلسطین، جرقه‌ای بود بر این همه یأس و آغازی بر پایان ناامیدی:

بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نخستین مرکز جهاد اسلامی فلسطین در نوار غزه فعال شد. ظهور امام خمینی (ره) بر روی روشنفکران فلسطینی مؤثر واقع شد و سبب شد که آنها در جست و جوی راه‌هایی برای اعمال تعلیمات امام خمینی و نمونه او در فلسطین بر آیند. به این ترتیب، پس از دهه‌های پنجاه و شصت و هفتاد که اسلام از صحنه فلسطین خارج بود، مجدداً مسأله فلسطین به مرکزیت نهضت اسلامی معاصر منتقل شد و با این پشتوانه جدید به مقابله با پدیده اسرائیل رفت. از این به بعد اصول جهاد، شهادت و فداکاری در راه هدف که سمبل‌های شیعیان و شعارهای انقلاب بود، به عنوان اصول اساسی فلسطین مطرح شد.^۳

سخن‌گوی جهاد اسلامی فلسطین طی سخنانی در ملاقات با حضرت امام خمینی (ره) در آذر ماه ۱۳۶۷ اظهار داشت:

ملت ما اکنون با نام و یاد اسلام در یک مبارزه وارد شده است... انتفاضه اسلامی و مبارکی که در حال حاضر میهن اسلامی فلسطین شاهد و ناظر آن است، بارقه‌ای از نور و بازتابی از پیروزی‌های بزرگ انقلاب شماسست؛ انقلابی که بزرگ‌ترین تحول را در عصر ما به وجود آورد.^۴

ایشان در ادامه به مفاهیم اساسی انقلاب اسلامی و شعارهای آن اشاره کرده و می‌گوید: با ظهور انقلاب شما، ملت مسلمان و بزرگ ما فهمید که راهش، راه جهاد و مبارزه است. همان‌گونه که پیامبر اسلام ﷺ و مؤمنین بزرگ صدر اسلام این راه را پیمودند. ملت ما دریافت که راه مبارزه مسلحانه راهی سخت و طولانی است. ملت ما امروز همان شعارها را سر می‌دهد. که شما منادی آن بودید. آنها با صدای بلند فریاد می‌زنند: «لا اله الا الله»، «الله اکبر»، «پیروزی از آن اسلام است».

شیخ اسعد تمیمی یکی از رهبران فلسطینی در خصوص تأثیر معنوی انقلاب اسلامی در جهان اسلام خصوصاً فلسطین می‌گوید:

تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه نبرد غایب بود، حتی در عرصه واژگان، مثلاً به جای «جهاد»، از کلماتی همچون «نضال» و «کفاح» استفاده می‌شد... انقلاب ایران، واقعیت قدیمی «اسلام راه حل و جهاد و وسیله اصلی است» را به سرزمین فلسطین وارد کرد.^۵

شیخ عبدالعزیز عوده، روحانی برجسته فلسطینی که گفته می‌شود هدایت فکری و رهبری روحانی «جهاد اسلامی» را بر عهده دارد، معتقد است:

انقلاب خمینی، مهم‌ترین و جدی‌ترین تلاش در بیدار سازی اسلامی برای اتحاد ملت‌های مسلمان بود... ایران تنها کشوری بود که واقعاً بر روی مسأله فلسطین متمرکز شد.^۶

۲. جنبش جهانی احیای دین و بیداری جهان اسلام (اصول‌گرایی اسلامی)

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ (۱۹۷۹ م) بار دیگر دین در عرصه‌های اجتماعی سیاسی فعالانه مطرح شد. به ویژه در جهان اسلام، مسلمانان با هویتی دینی به مبارزه برخاستند و به تدریج بسیاری از تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه را تحت پوشش خود قرار داد که از آن به «اصول‌گرایی اسلامی» تعبیر می‌شود. این جریان بر بسیاری از متفکران و اندیشمندان مسلمان تأثیر گذاشت و جهت مبارزات به ویژه فلسطینی‌ها را تغییر داد. مظاهر اسلامی مانند حجاب، حضور در مساجد رواج یافت و مساجد کانون فعالیت‌ها و مبارزات قرار گرفت.

در دانشگاه‌های فلسطین نیز تشکل‌های اسلامی دوباره مطرح شدند و در فعالیت‌های اجتماعی از سایر تفکرات و اندیشه‌ها جلو افتادند. حرکت اسلامی در دانشگاه‌های النجاف، بیزریت، غزه، بیت المقدس و الخلیل به نحوه چشمگیر اوج گرفت.^۷

۳. بن بست مبارزات سازمان‌ها و گروه‌های فلسطینی

پنجاه سال از اشغال فلسطین به دست صهیونیست‌ها می‌گذشت. در این رهگذر گروه‌های متعدد فلسطینی با شعار مبارزه با اسرائیل و صهیونیسم و آزاد سازی فلسطین اعلام موجودیت کردند. علی‌رغم تبلیغات گسترده آنها و جوسازی‌ها و بزرگ‌نمایی‌هایی که هم‌خودشان و هم دشمنانشان از آنها می‌کردند، نتوانستند عملکرد مطلوبی از دفاع در حقوق مردم مظلوم فلسطین از خود به یادگاری بگذارند. هیچ یک گروه‌ها و احزاب فلسطینی نتوانستند یکی مبارزه فراگیر و گسترده را علیه صهیونیسم به راه انداخته، سازماندهی و تداوم بخشند. مبارزات این گروه‌ها بیشتر در حد تبلیغات و موضع‌گیری‌های سیاسی در خارج از مرزهای فلسطین بود و فعالیت‌های آنها در داخل به عملیات‌های ایدایی محدود می‌شد که تأثیر چندانی در سرنوشت فلسطین نداشت.

مردم مظلوم سرزمین‌های اشغالی فلسطین از یک سو، شاهد عدم موفقیت و تأثیر گذاری مبارزات سازمان‌های پر طمطراق فلسطینی مستقر در خارج فلسطین در آزاد سازی سرزمین‌های اشغالی بودند و از سوی دیگر، شاهد تثبیت موقعیت صهیونیست‌ها و گسترش آبادی‌های یهودی نشین و استحکام موضع رژیم اشغالگر اسرائیل؛ این ناامیدی از خارج و فشار صهیونیست‌ها در داخل، نقطه شروع حرکت انتفاضه و اتکای بر فکر و اندیشه خودی (اسلام) و امکانات موجود (سنگ) در سرزمین‌های اشغالی بود.

۴. قطع امید از اقدامات سایر کشورها و مجامع بین المللی

راه حل‌های ارائه شده از سوی مجامع بین المللی و صدور قطعنامه‌ها و بیانیه‌های متعدد، نه تنها نتوانستند جلو اشغال سرزمین‌های فلسطینی را بگیرند، بلکه به موجودیت این رژیم رسمیت بخشیدند. کشورهای عربی هم که داعیه دار دفاع از ملت عرب و سرزمین‌های عربی بودند، موفقیتی در احقاق حقوق ملت فلسطین به دست نیاوردند. بعد از قرارداد کمپ دیوید و به رسمیت شناختن اسرائیل و برقراری روابط میان اعراب با مصر که در پی قرار داد مذکور قطع شده بود، فلسطینیان به این نتیجه رسیدند که نباید چشم امید به اقدامات کشورهای عربی داشته باشند. سازمان‌ها و مجامع بین المللی هم از آن جا که تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ و به خصوص آمریکا به عنوان حامی و پشتیبان اسرائیل قرار دارند، راه حل‌های آنها تأمین کننده آرمان‌ها و خواسته‌های فلسطینیان نیست و امیدواری به آنها تکرار اشتباهات گذشته خواهد بود.

۵. موفقیت نسبی نبرد مقاومت لبنان

حمله همه جانبه اسرائیل به لبنان در ۱۹۸۲، شکل‌گیری مقاومت اسلامی مردم لبنان خصوصاً «حزب الله لبنان» را به دنبال داشت. ایستادگی و مبارزه مقاومت اسلامی در یک نبرد مردمی با اسرائیلی‌ها ابتدا حامیان اسرائیل (نیروهای آمریکایی و فرانسوی) را به عقب‌نشینی و فرار از لبنان واداشت؛ سپس در جنگی نابرابر طی کمتر از دو دهه توانستند صهیونیست‌ها را وادار به فرار از جنوب لبنان کنند و طلسم شکست ناپذیری اسرائیلی را در هم شکنند. پیروزی حزب الله لبنان و شکست صهیونیست‌ها، مردم مسلمان فلسطین را به این باور رساند که برای پیروزی بر اشغالگران باید اولاً، مبارزه را اسلامی کرد و شعارهای اسلامی را بر افراشت و جهاد مقدس علیه اشغالگران اعلام کرد؛ ثانیاً، باید بدون اتکا به کشورهای دیگر، مبارزه را اداره کرد و به انجام رساند.

سازمان‌های فلسطینی بعد از انتفاضه

انتفاضه محصول شرایط جدید روانی - فکری و سیاسی - اجتماعی فلسطینیان در عرصه داخلی و بین‌المللی به ویژه جهان اسلام است؛ از این رو اندیشه‌های تشکیلاتی و آرمان‌های مبارزان و شیوه‌های مبارزاتی در دوران انتفاضه به صورت متفاوتی با گذشته مطرح گردید. هسته‌های اصلی مبارزه از درون مساجد و با فکر و اندیشه اسلامی شروع و گسترش یافت و مبارزات به شکل مردمی و همه جانبه در آمد. در این سال‌ها شاهد شکل‌گیری و پیدایش سازمان‌ها و گروه‌های متعددی هستیم که همگی تحت نام «اسلام» و شعارهای اسلامی به فعالیت می‌پردازند.

سید هادی خسروشاهی این گروه‌ها را این گونه معرفی می‌کند:

مانند «جماعة التبلیغ والدعوة»، که پایگاه آن در رامله قرار دارد و مبنای آن انجام فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی است؛ اما گروه‌های دیگر وجود دارند که از محدوده تبلیغ فراتر رفته و دست به فعالیت‌های سیاسی می‌زنند؛ از جمله «حزب الله» که در حمایت از انقلاب اسلامی به وجود آمدند. گروه «جماعة المسلمین» که حضوری محدودی در نوار غزه داشت و در پی احکام صادره از سوی دادگاه نظامی رامله علیه برخی اعضای آن در دهه سپتامبر ۱۹۸۴ علنی شد. در کنار این گروه‌ها، پاره‌ای از گروه‌ها و سازمان‌های اسلامی دیگر نیز به نحوی با اخوان المسلمین [نماینده جریان سنتی اسلامی] پیوند داشته و یا از آن تأثیر پذیرفته‌اند؛ برای نمونه سازمان الأیدی المسلمة (بازوان مسلمانان)، همچنین گروه شباب المعركة الاسلامیه (جوانان نبرد اسلامی) در نوار غزه، حركة الاصلاح الاسلامی (جنبش اسلامی اصلاح) و سازمان الشباب المسلم را می‌توان نام برد.^۸

ویژگی‌های انتفاضه

از ویژگی‌های انتفاضه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. اسلامی شدن مبارزات: اواخر دهه ۱۳۶۰ ش (۱۹۸۰ م) دوران تحول فکری و مبارزاتی ملت فلسطین است، زیرا از یک طرف، قیام سراسری سرزمین‌های اشغالی را فرا گرفت و مبارزات مسلحانه به داخل سرزمین‌های اشغالی کشانده شد و از طرف دیگر، سازمان آزادی بخش فلسطین، گروه‌ها و سازمان‌های متشکل در آن که برای مبارزه با اشغالگران شکل گرفته بودند مسیر مبارزات خود را از مبارزه مسلحانه به مذاکرات سیاسی به منظور تشکیل دولت فلسطینی در سرزمین‌های اشغالی تغییر دادند. مبارزات نسل جدید فلسطین در سرزمین‌های اشغالی که حاصل آزمون اندیشه‌های مختلف مارکسیسم، سوسیالیسم ناسیونالیسم و... در چهل سال گذشته بود، پیروزی را جز در تمسک به اسلام نمی‌دید، از این رو، در این راه از شعارهای اسلامی استفاده می‌کرد. سخن گوی جهاد اسلامی در سال ۱۳۶۷

شمسی در ملاقات با امام خمینی(ره) چنین می‌گوید:

ملت ما پس از سالیان دراز شعارهای قومی‌گرایی و الحاد را به یک سو انداخت، شعاری که استعمار آن را رواج داده بود، و شعار اسلام را بر افراشت. ملت ما فهمید که راهش راه جهاد و مبارزه است، همان گونه که پیامبر اسلام ﷺ و مؤمنین بزرگ صدر اسلام این راه را پیمودند.^۹

طی دهه‌های آخر قرن بیستم میلادی توجه مردم فلسطین خصوصاً جوانان به شعائر اسلامی و مساجد و نمازهای جمعه و جماعت بیشتر شده است. تعداد مجلات و نشریات اسلامی از قبیل الثورة الاسلامیه، الحقیقه، طلیعه الاسلامیه، صوت الجماعة الاسلامیه افزایش یافته‌اند. گرایش بانوان به رعایت حجاب اسلامی افزایش یافته و مشروب‌فروشی‌ها و مراکز فساد و فحشا مورد حمله قرار می‌گیرند. نوع شعارهایی که داده می‌شود بر خاسته از متن اسلام است. سخن‌گوی جهاد اسلامی شعارهای انتفاضه را این گونه بیان می‌کند:

آنها با صدای بلند فریاد می‌زنند: «لااله الاالله»، «الله اکبر»، «پیروزی از آن اسلام است».

۲. نقش مساجد در مبارزات: یکی از ویژگی‌های مهم قیام ملت فلسطین در پایان قرن بیستم (انتفاضه)، سامان یافتن مبارزات در مساجد و شروع حرکت از این مکان مقدس است. اقشار مختلف مردم در مساجد تجمع می‌کنند و در مورد موضوعات مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و... آگاه می‌شوند. آنها در قبال سرنوشت خود و انجام وظایف و مسؤولیت‌های دینی حساسیت نشان می‌دهند و اندیشه و فکر اسلامی آنها را به حرکت و مبارزه وامی‌دارد.

با افزایش روحیه اسلام‌گرایی مردم و حرکت‌های اسلامی، تعداد مساجد هم در فلسطین اشغالی به فزونی می‌گذارد و به طور متوسط طی ۳۵ سال اخیر هر سال حدود بیست مسجد به مساجد کرانه باختری رود اردن افزوده شده و از چهارصد مسجد به ۷۵۰ مسجد افزایش پیدا کرده است؛ همچنین در نوار غزه تعداد مساجد طی دو سال اخیر به سه برابر افزایش یافته است. مساجد محل بحث و گفت و گوی مسائل سیاسی روز شده، تظاهرات علیه اشغالگران از مساجد شروع می‌شود. یک سری فعالیت‌های اجتماعی از قبیل کمک به خانواده‌های بی‌بضاعت، تأسیس مهد کودک، سازماندهی اردوگاه‌های کار و... در مساجد صورت می‌گیرد.^{۱۰} به اعتراف تمامی منابع سیاسی جهان، انتفاضه «از مساجد شروع شد و هر خانه را به یک مسجد تبدیل کرده است، به طوری که مسجد الاقصی به کانون مبارزات و مقاومت جوانان فلسطینی مبدل شده و صوت دلنشین و دشمن شکن «الله اکبر» از مناره‌ها و گلدسته‌ها پخش و اشغالگران را به وحشت انداخته است».^{۱۱} دومین مرحله انتفاضه در ماه‌های پایانی سال ۲۰۰۰ که هنوز هم ادامه دارد و به «انتفاضه الاقصی» مشهور است، از مسجد الاقصی و در نتیجه بی‌حرمتی اریل شارون آغاز شد.

در خصوص نقش مساجد در قیام مردم فلسطین (انتفاضه) شیخ «محمد حسین» امام جماعت مسجد الاقصی در مصاحبه‌ای می‌گوید:

در حال حاضر مسجد به صورت انجمنی برای گروه‌های مسلمانان و نیز منبع الهام و ثبات و پیوستگی آنان جهت مقابله با دشمن اشغالگر در آمده است. مسجد در ایفای این نقش موفقیت زیادی کسب کرده و به مسلمانان توشه‌های فراوانی برای مواجهه با دشواری‌ها داده و ثابت کرده است که انسان بیش از هر چیز دیگر با عقیده زنده است. بزرگ‌ترین پشتیبان این ملت عقیده اسلامی آن است که چنانچه نبود، در برابر همه رویدادها بزرگ هویت خود را از دست می‌داد... دین و عقیده است و در این مجال، هیچ‌گونه سازش و اغماض امکان‌پذیر نیست. ۱۲

۳. انتقال مبارزات از خارج به داخل سرزمین‌های اشغالی: تا قبل از انتفاضه، تصمیم‌گیری برای مبارزه عمدتاً در خارج از سرزمین‌های اشغالی و به دست گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی که خود تحت تأثیر کشورهای دیگر بودند صورت می‌گرفت و به لحاظ اجرایی هم بیشتر مبارزات در خارج از فلسطین انجام می‌شد؛ اما از زمان شروع انتفاضه، مبارزات به دست مردم سرزمین‌های اشغالی و در شهرها و روستاهای فلسطین صورت می‌گیرد.

۴. مردمی و فراگیر شدن مبارزه: اگر چه صهیونیست‌ها و یک سری عوامل دیگر موفق شده بودند به شکلی عمل کنند که مبارزه فلسطینی‌ها در مبارزه گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی خلاصه شود تا بتوانند با آنها به معامله و مذاکره و سازش بپردازند، ولی انتفاضه انحصار را شکست و مبارزه با صهیونیست‌ها را در سطح جامعه گسترش داد. کلیه اقشار و اصناف و طبقات، مبارزه با اشغالگران را فریضه‌ای واجب می‌دانند. هر کس بتواند شعاری بدهد و سنگی پرتاب کند، کودک ده ساله تا پیرمرد هفتاد ساله، اعم از زن و مرد در حرکت اسلامی انتفاضه شریک هستند. جز اسلام و اسلامی شدن مبارزات هیچ عاملی نمی‌توانست توده‌های عظیم مردم را به چنین حرکتی وا دارد.

۵. استمرار و تداوم مبارزات: مبارزات گروه‌های فلسطینی به شکل مقطعی و عملیات‌های نظامی و ضربه زدن به اسرائیل بود، ولی انتفاضه حرکتی مستمر و مداوم است و توانسته ضربات سیاسی، اقتصادی و نظامی مهمی به رژیم اشغالگر قدس وارد سازد و با بسیج نیروها و کسب حمایت بین‌المللی از تداوم زمانی مناسبی برخوردار باشد.

۶. اتکای به منابع داخلی به جای وابستگی به کشورهای خارجی: همان طور که در بخش مربوط به سازمان‌های فلسطینی قبل از انتفاضه ملاحظه شد، اکثر قریب به اتفاق گروه‌های مبارز فلسطینی وابسته به کشورهای عربی منطقه بودند و تحت تأثیر اندیشه‌ها و تفکرات شرقی و غربی و سیاست‌های کشورهایی که مقیم آنها بودند عمل می‌کردند، در حالی که انتفاضه متکی

به نیروهای داخلی است که جز از طرف توده‌های مردم شهر و روستا حمایت نمی‌شوند و تصمیمات آنها فقط متکی بر نیازها و روش‌هایی است که خود تشخیص می‌دهند.

پایگاه اجتماعی انتفاضه

اصول‌گرایی اسلامی با الهام از دستورها و احکام اسلام به یک قشر یا طبقه خاصی محدود نمی‌شود، بلکه حرکتی فراگیر و گسترده است و شامل کلیه اقشار و طبقات جامعه می‌شود. در انتفاضه فلسطین تمامی اقشار جامعه از زن و مرد، پیر و جوان، شهری و روستایی، دانشجو و کارگر و حتی افراد خردسال شرکت دارند؛ البته هسته‌های اصلی مبارزه و نیروهای پر حرارت و فعال آن را روحانیان و روشنفکران و جوانان و دانشگاهیان و دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند.

۱. روحانیان: مساجد و روحانیان پایگاه اصلی مبارزه و فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی را تشکیل می‌دهند. آنها با الهام از احکام و مقررات اسلامی در ایجاد انگیزه روانی برای مبارزه با ظلم و ستم، پیوستگی و وحدت بین نیروها و افزایش فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و نیز انتفاضه، نقش اصلی و اساسی را ایفا می‌کنند. از میان آنها می‌توان به شیخ احمد یاسین، رهبر حماس، و شیخ عبدالعزیز عوده، رهبر معنوی جهاد اسلامی، و شیخ عبدالله درویش از افراد مؤثر در تشکیل آن نام برد.

۲. دانشجویان: نخستین نشانه‌های بارز ظهور اصول‌گرایی اسلامی در صحنه مبارزات ملت فلسطین را می‌توان در دانشگاه‌ها و به دست گرفتن کنترل اتحادیه‌های دانشجویی به وسیله دانشجویان مسلمان مشاهده کرد. با دقت در فعالیت‌های اسلامی دانشگاه‌های النجاح، بیرزیت، غزه، بیت المقدس و الخلیل، افزایش فعالیت نیروهای اسلامی مشخص می‌شود. از اواخر دهه هفتاد و تحت تأثیر جریانات بیداری اسلامی در سطح جهان اسلام، حرکت اسلامی در دانشگاه‌ها شروع به رشد کرد و توانست برتری قابل ملاحظه‌ای نسبت به سایر تشکلهای در اتحادیه‌های دانشجویان کسب کند.

۳. جوانان و نوجوانان: علاوه بر دانشجویان که خود از جوانان جامعه به شمار می‌روند، سایر جوانان و نوجوانان نیز از فعالان اصلی و پر انگیزه نهضت اسلامی فلسطین هستند. جوانان موفق شده‌اند صحنه مبارزات را در سراسر فلسطین گسترش دهند و به کارهای تشکیلاتی و سازماندهی مشخص روی بیاورند. تشکیل گروه‌هایی مانند «الشباب المسلم» و «شباب المعركة الاسلامیه» نتیجه حضور گسترده جوانان در صحنه مبارزات جدید ملت فلسطین است.

پی‌نوشت‌ها

۱. آلاسدر درایسدل و جرالداچ. بلیک، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میر حیدر (تهران: دفتر مطالعات وزارت خارجه) ص ۳۸۹.
۲. مهدی حسنی، فلسطین و صهیونیسم (قم: مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۷۶) ص ۸۱ - ۸۴ (با تلخیص).
۳. جمیله کدیور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و امریکا (تهران: مؤسسه اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۴) ص ۱۰۸ و ۱۰۹.
۴. روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۷۶/۳/۱۳) ص ۱۲.
۵. جمیله کدیور، پیشین، ص ۱۱۴.
۶. همان.
۷. ر.ک: سید هادی خسرو شاهی، اسرائیل پایگاه؛ امپریالیسم و حرکت‌های اسلامی در فلسطین (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰) ص ۱۴۳.
۸. همان، ص ۱۴۷ - ۱۴۸.
۹. روزنامه جمهوری اسلامی (سه شنبه، ۷۶/۳/۱۳).
۱۰. ر.ک: سید هادی خسرو شاهی، پیشین، ص ۱۳۹ و ۱۴۰.
۱۱. سازمان تبلیغات اسلامی، مسأله فلسطین و خیزش نسل جدید، ص ۲۶.
۱۲. مهدی حسنی، پیشین، ص ۱۴۰.